



بررسی تأثیر کسری بودجه دولت بر سرمایه گذاری و اشتغال در ایران

امید یخکشی^۱، جلال الدین گرگانی^۲، ناصر آسیابانی^۳
- دانشجویان کارشناسی ارشد اقتصاد کشاورزی فردوسی مشهد

چکیده

این مقاله سعی دارد تا ارتباط و تأثیر کسری بودجه بر دو متغیر مهم اقتصاد ایران، یعنی سرمایه گذاری و اشتغال را مورد بررسی قرار دهد. برای این منظور از روش های نوین در اقتصاد سنجی برای بررسی اثر متغیر کسری بودجه بر سرمایه گذاری و اشتغال استفاده شده است. الگوی مورد نظر در این مقاله، الگوی خود بازگشت برداری (VAR) است. پس از برآورد این الگو، می توان با استفاده از پویایی موجود در آن و با محاسبه دو معیار، تابع واکنش ضربه ای (IRF^۱) و تجزیه واریانس (VD^۴) واکنش متغیرهای سرمایه گذاری و اشتغال را به تکانه ی وارد شده از جانب متغیر کسری بودجه و همچنین، سهم این تکانه را در واریانس خطای پیش بینی این متغیرها بررسی کرد. براساس نتایج بدست آمده واکنش دو متغیر سرمایه گذاری و اشتغال به تکانه کسری بودجه معنی دار است. از طرف دیگر با توجه به تجزیه واریانس مربوط به دو متغیر سرمایه گذاری و اشتغال، کمترین سهم متعلق به اشتغال از متغیر کسری بودجه است.

کلمات کلیدی: کسری بودجه، سرمایه گذاری، اشتغال، الگوی VAR، آزمون ADF، تابع واکنش ضربه ای IRF، تجزیه واریانس VD

^۱ Impulse Response Function



مقدمه

افزایش فعالیتهای دولت علاوه بر آثار و پیامدهای اقتصادی زیادی که به دنبال دارد، دولت را در تأمین منابع لازم برای انجام وظایف خود با مشکل روبرو می کند و بدون شک افزایش نقش دولت در اقتصاد موجب محدود شدن حضور بخش غیر دولتی و دسترسی آنها به منابع می شود. این امر ضمن تأثیر بر کارایی کل اقتصاد، مشکلاتی نظیر بحران بدهی ها، افزایش نقدینگی و تورم، بحران کسری تراز پرداختها و کسری بودجه را نیز به دنبال دارد. (Tanner & Samake, 1979) عدم تعادل مالی دولت به معنی عدم وجود هماهنگی بین درآمدها و پرداخت های دولت، ناشی از افزایش درآمدهای دولت نسبت به مخارج آن (مازاد بودجه) یا نتیجه فزونی مخارج دولت نسبت به درآمدها (کسری بودجه) است. نظر به این که آثار و پیامدهای کسری بودجه به علل به وجود آمدن کسری بودجه، روش های تأمین مالی و نیز تعداد سال های تداوم آن بستگی دارد، و چگونگی اندازه کسری بودجه نیز از اهمیت زیادی برخوردار است. زیرا تعدیل و یا به حداقل رساندن آن با استعانت از اهرم های خارج از فرایند ایجادکننده کسری، آثار و تبعات منفی زیادی به دنبال دارد. کسری بودجه (آشکار و پنهان) علاوه بر داشتن بار مالی، بر سطح عمومی قیمت ها، فعالیت های اقتصادی و تراز پرداخت ها اثر داشته و تخصیص منابع مالی در دو بخش دولتی و خصوصی و حتی تخصیص منابع در درون بخش های اقتصادی را برهم می زند. در دهه های اخیر در اکثر کشورهای در حال توسعه، دولت ها با کسری بودجه مزمن مواجه بوده اند، زیرا از یک سو درآمد دولت ها در این کشورها به علت ضعف سیستم مالیاتی و برخی از مشکلات ساختاری اقتصادی با محدودیت های جدی روبرو شده است. و از سوی دیگر، اتخاذ سیاست های مالی نادرست و عدم برنامه ریزی صحیح همراه با رشد بی رویه جمعیت که بدنبال خود افزایش تقاضا برای کالاهای عمومی را به دنبال دارد، باعث شده است که به طور فزاینده ای مخارج دولت افزایش یابد. بررسی بودجه دولت در ایران طی سالهای ۱۳۵۷ تا ۱۳۸۷ گویای این مطلب است که دولت در طول سال های ذکر شده همواره با کمبود منابع مالی و کمبود بودجه مواجه بوده است. به عبارتی دیگر، عدم تعادل مالی دولت به صورت کسری بودجه متبلور شده است. هنگامی که دولت با کسری بودجه مواجه می شود، برای تأمین مالی مخارج خود متوسل به نشر اسکناس، اخذ مالیات های مستقیم و غیر مستقیم و استقراض از نظام بانکی (داخلی یا خارجی) می شود که به موجب آن نرخ بهره و سطح عمومی قیمت ها افزایش می یابد. با افزایش نرخ بهره تمایل به پس انداز تقویت می شود و در نتیجه از فعالیت های سرمایه گذاری صرف نظر می شود. اهمیت تشکیل سرمایه و نقش آن در رشد و توسعه پایدار یک کشور برکسی پوشیده نیست. علاوه بر نقش سرمایه گذاری در موجودی سرمایه، سرمایه گذاری از عناصر مهم هزینه ملی و در نتیجه تقاضای کل به حساب می آید. از طرف دیگر در چارچوب سیاست گذاری های اقتصادی، از سرمایه بعنوان عاملی جهت فرصت های شغلی نامبرده می شود. از این رو عواملی که سرمایه گذاری و به تبع آن بر اشتغال تأثیر داشته باشند، می توانند موضوعی درخور توجه جهت تحقیق باشد. در این زمینه مطالعاتی صورت گرفته است که از آن جمله می توان به عسلی (۱۳۸۳) اشاره کرد که در تحقیقی تأثیر افزایش مخارج جاری دولت بر رشد اقتصادی را در یک مدل دو بخشی پویا



بررسی کرده است. این تحقیق از طریق معادلات تقلیل یافته برای متغیرهای مهم مانند تولید و سرمایه گذاری و تقاضا برای نیروی کار بوده است. بر اساس نتایج در شرایط مفروض مدل اقتصادی، افزایش بودجه ی جاری کاهش سرمایه گذاری و تولید و تقاضای نیروی کار را در پی داشته است. فاتیما، احمد و رحمان (۲۰۱۲) در مطالعه‌ای به بررسی رابطه کسری بودجه و رشد اقتصادی کشور پاکستان طی دوره (۲۰۰۹-۱۹۷۸) پرداخته‌اند. در این مطالعه برای شناسایی رابطه بلندمدت کسری بودجه و رشد اقتصادی از مدل حداقل مربعات معمولی (OLS) استفاده شده است. یافته‌های این تحقیق نشان می دهد اثر کسری بودجه بر رشد اقتصادی پاکستان در بلندمدت، منفی و معنادار است. همچنین عبدالرحمان (۲۰۱۲) در مقاله‌ای رابطه بین کسری بودجه و رشد اقتصادی مالزی را طی دوره (۲۰۱۲-۲۰۰۰) مورد مطالعه و بررسی قرار داده است. در این مقاله از مدل خود رگرسیون با وقفه های توزیعی (ARDL) برای تحلیل اثرات کوتاه مدت و بلندمدت کسری بودجه و رشد اقتصادی استفاده شده است. نتایج این تحقیق نشان می دهد کسری بودجه در کوتاه مدت و بلندمدت اثر منفی و معناداری بر رشد اقتصادی مالزی دارد. اینچ (۲۰۰۹) در مطالعه‌ای با استفاده از روش حداقل مربعات معمولی (OLS)، اثر سیاست مالی و رشد اقتصادی در رومانی را بررسی نموده است. نتایج این تحقیق نشان می دهد سیاست‌های مالی بر رشد اقتصادی کشور رومانی اثر مثبت و معناداری دارند. کاستیلی (۲۰۰۵) کارایی مخارج مالی را در فرضیه اثر برون رانی برای کشور ترکیه، در دوره زمانی (۲۰۰۳-۱۹۶۷) با استفاده از مدل VAR بررسی کرد و از دو متغیر مخارج دولت و کسری بودجه، به عنوان متغیرهای مالی استفاده کرد. آزمون همگرایی جوهانسن نشان داد که مخارج دولت در بلندمدت، اثر مثبت (درون رانی) بر سرمایه گذاری خصوصی دارد، در حالی که کسری بودجه، اثر منفی (برون رانی) بر آن دارد. حسین، سلیمان و کامران (۲۰۰۹) رابطه بلندمدت بین سرمایه گذاری خصوصی و مخارج دولت را در پاکستان با استفاده از روش VECM در دوره (۲۰۰۸-۱۹۷۸) بررسی کرده اند. نتایج پژوهش آنها نشان داد که مخارج دفاعی و مخارج مربوط به پرداخت اصل و فرع بدهی ها، اثر منفی بر سرمایه گذاری خصوصی دارند، ولی مخارج مربوط به زیرساخت ها، بهداشت، آموزش و مخارج رفاه اجتماعی، رشد سرمایه گذاری خصوصی را تشویق می کنند. کئو (۲۰۱۰) به مطالعه اثر کسری بودجه بر رشد اقتصادی کشورهای غرب آفریقا و عضو اتحادیه پولی طی دوره (۲۰۰۵-۱۹۸۰) با استفاده از آزمون علیت گرنجری تودا و یاماموتو پرداخته است. یافته‌های تحقیق نشان می دهد بین کسری بودجه و رشد اقتصادی کشورهای ساحل عاج، سنگال و توگو ارتباط معناداری وجود ندارد، اما کسری بودجه باعث اثر منفی بر رشد اقتصادی کشورهای بنین، نیجر، مالی و بورکینافاسو شده است. علیرضا اقبالی و همکاران (۱۳۸۳) در مقاله ای با عنوان بررسی رابطه میان مخارج دولت و سرمایه گذاری بخش خصوصی در ایران به این نتیجه رسیدند که آثار مخارج دولت بر سرمایه گذاری در ایران دو گانه است. از یک سو آثار حمایتی و جذبی و در برخی موارد اثر جایگزینی دارد که موجب کاهش سرمایه گذاری بخش خصوصی می شود. کامرون^۲ (۱۹۸۲) و لاندائو^۳ (۱۹۸۳) به صورت برش های مقطعی و داده های سری زمانی در کشورهای

^۲. cameron

^۳. Landau



عضو سازمان همکاری و توسعه نشان داده اند که مخارج دولت با کاهش سرمایه گذاری بخش خصوصی، کاهش دهنده ی رشد اقتصادی است. همچنین مطالعه ایسترلی و ریو (۱۹۹۳) که با استفاده از داده های مقطعی ۱۲۵ کشور انجام گرفته، حاکی از وجود رابطه منفی بین کسری بودجه و سرمایه گذاری بخش خصوصی است. کولتارنی و اریکسون (۱۹۹۵) با استفاده از مدل VAR به مطالعه تأثیر کسری بودجه و سرمایه گذاری بخش خصوصی در هندوستان پرداختند ولی هیچ رابطه معنی داری به دست نیاوردند. علاوه بر این، مطالعه دیگری در هندوستان توسط پارینا میترا (۲۰۰۲) انجام شده است که نشان می دهد تأثیر کسری بودجه بر سرمایه گذاری بخش خصوصی در بلند مدت مثبت و در کوتاه مدت منفی می باشد. همچنین نتایج مطالعه بلانچارد و پروتی (۲۰۰۲) حاکی از تأثیر مثبت مخارج دولت بر مصرف و تأثیر منفی آن بر سرمایه گذاری بخش خصوصی بوده است. وانگ (۲۰۰۳) در مقاله ی خود به طور تجربی اثرات اشکال مختلف مخارج دولتی را بر سرمایه گذاری بخش خصوصی در کانادا با استفاده از داده های سالانه در طول دوره ی ۲۰۰۰-۱۹۶۱ بررسی کرده است. و به این نتیجه رسید که مخارج آموزش و بهداشت دولت اثر مثبت و مخارجی سرمایه و زیرساختهای دولت اثرات منفی بر سرمایه گذاری بخش خصوصی داشته است. دلاوری و بصیر (۱۳۹۰) به بررسی تأثیر بیثباتی اقتصادی و کسری بودجه بر رشد اقتصادی ایران طی دوره (۱۳۸۵-۱۳۵۲) پرداخته اند و برای تبیین آماری آن از مدل همجمعی و تصحیح خطای برداری (VECM) استفاده نموده اند. یافته های تحقیق نشان میدهد تأثیر نسبت کسری بودجه واقعی دولت به GDP، بر رشد اقتصادی در کوتاهمدت و بلندمدت منفی و معنادار بوده است.

هدف این تحقیق بررسی تأثیر کسری بودجه دولت بر سرمایه گذاری و اشتغال در ایران می باشد.

مبانی نظری آثار کسری بودجه دولت بر سرمایه گذاری و اشتغال

سیاست های مالی دولت در قالب بودجه های سالانه، بر متغیرهای اقتصادی تأثیر گذار است. یکی از این متغیرها، سرمایه گذاری است. در مورد تأثیر پذیری سرمایه گذاری از بودجه دولت، دو دیدگاه اصلی وجود دارد. دیدگاه اول معتقد است که سیاست های مالی دولت در قالب هزینه های جاری و عمرانی در اقتصاد منتشر می شود، زیر ساخت های لازم را برای فعالیت بخش ها فراهم میکند و در نتیجه، منجر به افزایش سرمایه گذاری می شود. دیدگاه دوم بر آن است که چون منابع اقتصادی جامعه محدود است، افزایش هزینه های دولت منجر به محدودیت منابع برای بخش ها می شود و در نتیجه سبب کاهش سرمایه گذاری می گردد. دیدگاه دیگر نیز معتقد است که ارتباط این دو در بلند مدت ناشی از برآیند دو نیروی گفته شده است (عبدلی، ۱۳۸۰). همچنین، در باب تعادل و عدم تعادل مالی دولت ها، بویژه بودجه عمومی، نظرات مختلفی طرح گردیده است. دیدگاه اول، مالیه تکلیفی^۴ است که معتقد به وجود کسری بودجه دولت به منظور سپری در برابر شوک های اقتصادی است. از این رو، کسری بودجه و عدم تعادل مالی دولت ها را مجاز می داند. دیدگاه دوم در مقابل دیدگاه اول قرار

^۴ Functional Finance



دارد که اساساً دیدگاه کلاسیکی است و معتقد است که عدم تعادل های مالی دولت، عدم تعادل اقتصادی به دنبال دارد و دولت همواره باید تعادل مالی را محفوظ دارند. دیدگاه سوم، دیدگاه وسط است که تعادل مالی و بودجه دولت را در بلند مدت مطلوب می داند. این دیدگاه معتقد است که در کوتاه مدت ممکن است برنامه های اقتصادی مطلوب دولت، عدم تعادل مالی ایجاد نماید که نامطلوب نیست، ولی در بلند مدت بر طرف شود. مکاتب فکری اقتصادی نیز به رابطه میان عدم تعادل های مالی دولت و سرمایه گذاری پرداخته اند. در این رابطه کینزین ها با استنتاج از اثرات کسری های بودجه، نظر مخالفی درباره ی اثر حمایتی دارند. به اعتقاد آنها، معمولاً کسری های بودجه به دلیل افزایش تولید ناخالص داخلی به وجود می آیند که این مسأله باعث خوشبین تر شدن سرمایه گذاران و افزایش سرمایه گذاری می شود. این کینزین ها به این اثر، اثر حمایتی می گویند. به نظر ایسنر^۵ (۱۹۸۹) سود سرمایه گذاری را افزایش داده و منجر به بالا رفتن سطح سرمایه گذاری در هر نرخ بهره می شود. از این رو علی رغم اینکه کسری ها نرخ بهره را افزایش می دهند، ولی ممکن است باعث تحریک پس انداز و سرمایه گل شوند. بنابراین او نتیجه می گیرد که کسری ها بر سرمایه گذاری اثر حمایتی دارند. بسیاری از کینزین ها بر این باورند که کسری بودجه لزوماً منجر به پدیده جایگزینی اجباری نمی شود. از آنجایی که بیکاری و عدم اشتغال کامل منابع وجود دارد، کسری بودجه علاوه بر رشد تولید، موجب رشد سایر اجزای تقاضای کل نیز می گردد و منابع آن نیز از طریق بکارگیری منابع بیکار تأمین می شود. کینزین ها که در تحلیل خود به طرف تقاضای اقتصاد توجه خاصی دارند، معتقدند که معیار کارایی نهایی سرمایه نقش بسیار مهمی در تصمیمات سرمایه گذاران دارد. در تحلیل کینز، نرخ واقعی بازده سرمایه گذاری، نرخ تنزیلی است که ارزش تنزیل شده ی درآمدهای انتظاری خالص ناشی از سرمایه گذاری در یک پروژه ی خاص را با هزینه ی اولیه ی سرمایه گذاری در آن پروژه مساوی می کند. این نرخ در حقیقت کارایی نهایی سرمایه گذاری است. تصمیم به سرمایه گذاری بر اساس روش کینز به دو نرخ بستگی دارد: ۱) نرخ بازده داخلی ناشی از سرمایه گذاری که در واقع همان بازده نهایی سرمایه است ۲) نرخ جاری بهره است که معیار ارزیابی هزینه های فرصت ذخایر موجود است (زیبایی، ۱۳۸۳).

کسری بودجه در ایران و روش های تأمین مالی آن

بررسی بودجه عمومی دولت طی سال های ۱۳۵۷ تا ۱۳۸۷ به قیمت ثابت سال ۱۳۷۶ در جدول (۱) نشان می دهد که به استثنای چندین سال، پرداختی ها یا مخارج دولت همواره از درآمدهای وی بیشتر بوده است. این امر بیانگر ساختاری بودن کسری در اقتصاد ایران است. بررسی روند کسری بودجه در ایران نشان می دهد که با وجود نوسانات برخی از سال ها، کسری بودجه از یک روند صعودی برخوردار می باشد. عمده ترین منابع تأمین مالی کسری در ایران بعد از انقلاب و وقوع جنگ تحمیلی و به دنبال تحریم اقتصادی کشور، استقراض از خارج و انتشار اوراق قرضه (به دلیل داشتن ماهیت ربوی) با محدودیت مواجه شد. از این رو عمده ترین روش برای تأمین مالی کسری بودجه در سال های بعد از انقلاب، استقراض از

^۵.Eisner



سیستم بانکی بوده است. هر چند در برخی از سال ها برای تأمین مالی کسری بودجه، دولت اقدام به انتشار اوراق مشارکت و پیش فروش اسناد حج نموده است. الگو و روش شناسی تحقیق بررسی تأثیر کسری بودجه بر سرمایه گذاری و اشتغال از موضوعاتی است که می تواند به طرق مختلف و با استفاده از روش شناسی متداول در اقتصاد مورد بررسی قرار گیرد. در این تحقیق از مدل‌های اقتصادسنجی و الگوی خود بازگشت برداری که به VAR معروف است، جهت بررسی تأثیر کسری بودجه بر دو متغیر سرمایه گذاری و اشتغال استفاده شده است. الگوی خودبازگشت برداری از رایج ترین الگوهای سری های زمانی است که در تحقیقات متعددی مورد استفاده قرار گرفته است. این الگو از الگوهای چند معادله ای محسوب می شود که در مقایسه با الگویی همچون الگوی معادلات همزمان، دارای مزایایی است. با استفاده از این الگوی سیستمی (VAR) می توان: الف) روابط تعادلی و بلند مدت بین متغیرها را مورد بررسی قرار داد و ضرایب بلند مدت را بدست آورد. ب) تأثیر تکانه یا تکانه ها را بصورت زمان بندی شده مورد ارزیابی قرار داد برای این کار لازم است تا معیار، تابع واکنش آنی یا IRF محاسبه گردد. در واقع برای بررسی پویایی در یک سیستم اقتصادی از این معیار استفاده می شود. با استفاده از این معیار می توان مدت زمان تأثیر تکانه و حداکثر تأثیر تکانه را پس از وقوع تکانه مشخص نمود. معیار دیگری که از آن جهت بررسی پویایی در سیستم استفاده می گردد، معیار تجزیه واریانس است که به اختصار با VD نشان داده می شود. این معیار جهت تعیین سهم هر متغیر سیستم در تعیین تغییرات سایر متغیرها بکار برده می شود. بدین ترتیب سیاستگذاران می توانند تأثیر تکانه یا تکانه ها را بر سیستم اقتصادی شناسایی نموده و از آن جهت سیاست گذاری استفاده نمایند. ج) می توان رابطه علت و معلولی بین متغیرهای مربوطه را بررسی نمود. بدین منظور پس از تأیید رابطه تعادلی و بلند مدت، می توانیم الگوی تصحیح خطای برداری یا VAR رابرآورد نماییم و با توجه به نتایج حاصل رابطه علت و معلولی (رابطه علت گرنجری) را بین متغیرها با سایر متغیرهای الگو بررسی نماییم. الگوی خود بازگشت برداری (VAR) با M متغیر و بدون عرض از مبدأ را می توانیم چنین بنویسیم.

$$Y_t = \sum_{j=1}^m A_j Y_{t-j} + V_t$$

رابطه فوق در واقع شکل استاندارد الگوست که در آن بردار متغیرهای درونزای الگو را نشان می دهد. در طرح تحقیقاتی حاضر این بردار شامل کسری بودجه، سرمایه گذاری و اشتغال می باشد. تمام متغیرهای این الگو بصورت لگاریتمی بکار رفته اند. پیش از برآورد الگولازم است تا موضوعاتی همچون ایستایی، همگرایی و تعیین رتبه بهینه وقفه، موردبررسی قرار گیرد. پس از برآورد الگو می توان معیارهای لازم را محاسبه و به تحلیل نتایج آن پرداخت.

برآورد الگو

از جمله موضوعاتی که لازم است قبل از برآورد مورد بررسی قرار گیرد، موضوع ایستایی متغیرهاست. برای بررسی ایستایی متغیرها می توان از آزمون ریشه واحد دیکی-فولر یا دیکی فولر تعمیم یافته استفاده نمود. به کمک این آزمون می توان



ایستایی و درجه همگرایی متغیرها را تعیین نمود. با تعیین درجه همگرایی، در واقع مشخص می شود که یک متغیر با چندبار تفاضل گیری ایستا می شود. در جدول مزبور حرف D به معنی تفاضل مرتبه اول است، همانگونه که از نتایج جدول (1) معلوم است تمام متغیرها در تفاضل مرتبه اول ایستا هستند بدین ترتیب یکی از شروط مهم برآورد الگوی مورد نظر فراهم شده است.

جدول 1. نتایج ارزیابی ایستایی متغیرها

متغیرها	آماره ADF	مقادیر بحرانی جدول		
		1%	5%	10%
D(LDE)	4.56	-3.69	-2.97	-2.62
D(LI)	4.67	-3.67	-2.96	-2.62
D(LEM)	-4.30	-2.30	-3.57	-3.22

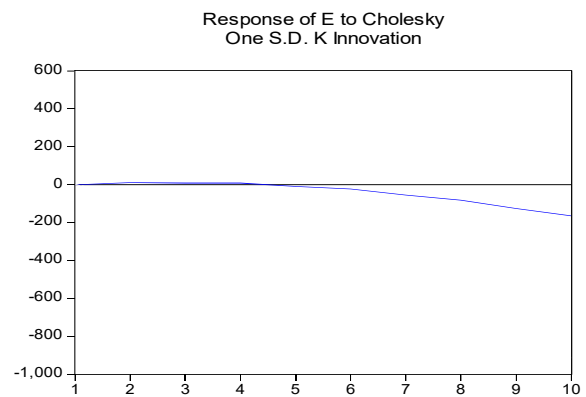
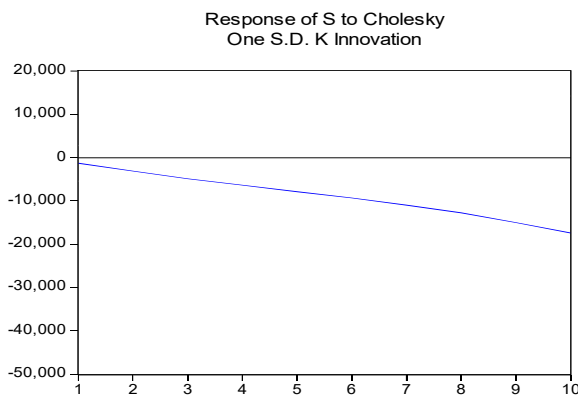
برای بررسی همگرایی، آزمون های مختلفی وجود دارد که از آن میان می توان از آزمون انگل-گرنجر، آزمون جوهانسون، آزمون ARDL و آزمون کرانه ها نام برد. اما در این الگو از آزمون جوهانسون که برای چنین مواردی استفاده از آن بسیار معمول است، استفاده می شود. در این آزمون پس از انجام محاسبات لازم از دو معیار نسبت درستنمایی یعنی λ_{trace} و λ_{max} جهت بررسی بود و نبود همگرایی استفاده می شود. در صورتی که وجود همگرایی بین متغیرها تأیید گردد، می توان گفت که رابطه تعادلی و بلندمدت بین متغیرهای موردنظر برقرار است. پس از انجام محاسبات لازم، با استفاده از نرم افزار Eviews و محاسبه دو معیار λ_{trace} و λ_{max} و نیز مقایسه آنها با مقادیر بحرانی جدول در سطوح 5% و با توجه به این که مقادیر بدست آمده کمتر از مقادیر بحرانی در سطوح 5% است، همگرایی بین متغیرهای الگو وجود دارد.

⁶.Bounds test

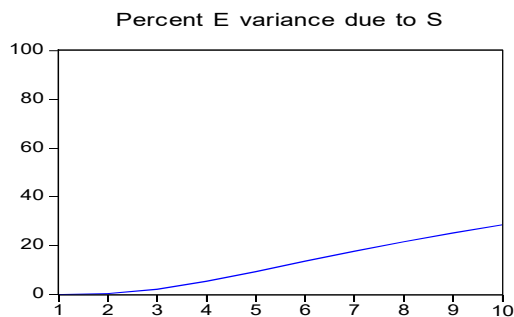
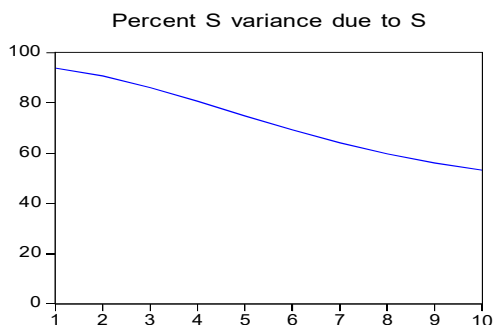
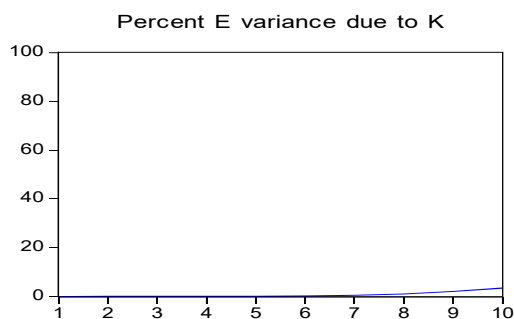
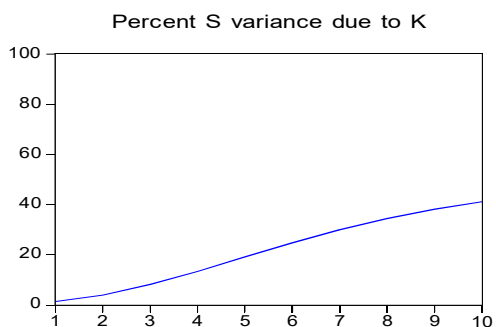
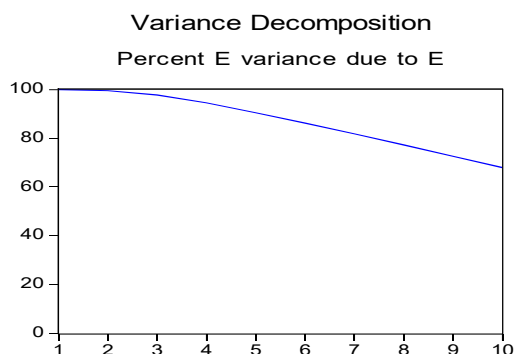
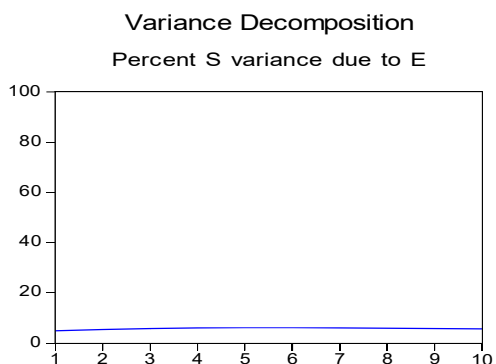


ارزیابی نتایج

پس از طی مراحل لازم و برآورد الگو، می توان با محاسبه دو معیار تابع واکنش ضربه ای (IRF) و تجزیه واریانس (VD)، پویایی موجود در الگو را بررسی نمود. بدین ترتیب می توان واکنش متغیرهای درونزای الگو را نسبت به تکانه ناشی از همان متغیر و متغیرهای دیگر و همچنین سهم و مشارکت هر یک از متغیرها را در خطای پیش بینی متغیرها بررسی نمود. این بررسی اجازه خواهد داد تا نقش این متغیرها و ترتیب اهمیت آنها از جهت تأثیر گذاری و تأثیر پذیری مشخص گردد. اما چون هدف، بررسی اثرات و نقش متغیر کسری بودجه بر روی متغیرهای سرمایه گذاری و اشتغال است، از این رو به بررسی اثر حاصل از تکانه کسری بودجه بر دو متغیر هدف می پردازیم در اینجا تکانه وارده به میزان یک انحراف معیار است که براساس واریانس جمله خطا در الگوی ساختاری محاسبه می گردد. بررسی واکنش سرمایه (S) در مقابل شوک وارد شده از طرف کسری بودجه (K) نشان می دهد که در طی زمان سرمایه گذاری همواره کاهش می یابد به عبارت دیگر این واکنش معنی دار و در عین حال منفی رانشان می دهد. واکنش اشتغال (E) نسبت به تکانه وارده از طرف کسری بودجه (K) نیز نشان می دهد که این واکنش در ابتدا ثابت و سپس کاهش می یابد.



نتایج حاصل از تجزیه واریانس نیز نشان می دهد که در سالهای اولیه تأثیرپذیری اشتغال (E) و سرمایه گذاری (S) از اجزای اخلاص خودشان بیشترین تأثیر را دارند و به مرور زمان این تأثیر پذیری کم می شود و تأثیرپذیری سرمایه گذاری (S) روی اشتغال (E) بیشتر از کسری بودجه است. و تأثیرپذیری سرمایه گذاری (S) از کسری بودجه (K) با گذشت زمان بیشتر از اشتغال (E) می باشد.



نتیجه گیری

در این مطالعه از طریق مدل VAR اثر کسری بودجه دولت را بر سرمایه گذاری و اشتغال بررسی نمودیم. با توجه به برآورد حاصل از آزمون همگرایی می توان نتیجه گیری نمود که بین متغیرهای الگو رابطه تعادلی و بلند مدت وجود دارد. علاوه بر آن بر اساس معیار واکنش آنی (IRF) متغیر سرمایه گذاری نسبت به اشتغال (E) در مقابل تکان ناشی از متغیر کسری بودجه واکنش معنی داری از خود نشان می دهد به عبارت دیگر اثرپذیری سرمایه گذاری (S) از کسری بودجه (K) بیشتر از اثرپذیری اشتغال از کسری بودجه است. و با توجه به نتایج بدست آمده از تجزیه واریانس نیز گویای نقش و سهم سرمایه گذاری از کسری بودجه می باشد که در واقع بیانگر اهمیت سرمایه گذاری و به تبع آن اهمیت و نقش سرمایه در سیاست



گذاری مربوط به اشتغال است. بنابراین با توجه به نقش قوی کسری بودجه در اقتصاد ایران، می توان از تکانه مزبور برای تنظیم رفتار سرمایه گذاری و اشتغال بطور مؤثر استفاده نمود.

منابع

۱. اقبالی، علیرضا، حمید رضا حلافی و ریحانه گسگری (۱۳۸۳) بررسی رابطه میان مخارج دولتی و سرمایه گذاری بخش خصوصی « مطالعه موردی ایران »؛ فصلنامه پژوهشنامه اقتصادی، سال چهارم، شماره اول.
۲. بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، گزارش های اقتصادی و ترازنامه های سال های مختلف.
۳. برانسون، ویلیام، اچ (۱۳۷۳)، تئوری و سیاست های اقتصاد کلان؛ ترجمه عباس شاکری؛ تهران: نشر نی.
۴. دلاوری، مجید و سجاد بصیر (۱۳۹۰). «تأثیر بی ثباتی اقتصادی و کسری (مازاد) بودجه بر رشد اقتصادی ایران» نشریه اطلاعات سیاسی اقتصادی شماره ۳۰۰-۲۸۶ صص ۳۱۱.
۵. زیبایی، حسن. (۱۳۸۳)، الگویی برای پیش بینی سرمایه گذاری بخش های اقتصادی ایران، مجله برنامه و بودجه، ۸۷: ۷۷-۵۱.
۶. سازمان برنامه و بودجه؛ مجموعه آماری سری زمانی آمارهای اقتصادی و اجتماعی تا سال ۱۳۸۷.
۷. عبدلی، قهرمان. (۱۳۸۰)، تأثیرپذیری سرمایه گذاری بخش خصوصی از بودجه دولت در ایران، برنامه و بودجه، ۶۶-۶۵: ۴۷-۲۹.
۸. عسلی، مهدی. (۱۳۸۳). تأثیر افزایش مخارج دولتی بر رشد اقتصادی کشور در یک مدل اقتصاد ساده، برنامه و بودجه، ۸۵: ۱۷-۳.
۹. گجراتی (۱۳۷۱)، میانی اقتصاد سنجی؛ ترجمه حمید ابریشمی؛ تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۱۰. نوفرستی، محمد (۱۳۷۸)، ریشه واحد و هم جمعی در اقتصادسنجی؛ تهران: مؤسسه خدمات فرهنگی رسا.
11. AbdRahman, N. (2012). "The Relationship between Budget Deficit and Economic Growth from Malaysian Perspective: An ARDL Approach", International Conference on Economics, Vol. 38, pp. 54-58.
12. Blanchard, Oliver and Roberto Perotti (2002) An Empirical Characterization of Changes in Government Spending Taxes on Output; Quarterly Journal of Economics, 117,4,1329-1368.
13. Cameron. D.(1982). On the Limits of the public Economy. Annuals of the Academy of Political and Social Science, 459:46-52.
14. Easterly. William and Rebelo Segio (1993) Fiscal policy and Economic Growth: An Empirical Investigation; Journal Monetary Economics. 32, pp. 417-458.
15. Eisner R. (1989). Budget Deficits: Rhetoric and Reality. Journal of Economic Perspectives, 3: 73- 93.
16. Enache, C. (2009). "Fiscal Policy and Economic Growth in Romania", Annales Universities Apulensis Series, Econometric, Vol. 11, No. 1, pp. 502-512
17. Fatima, G., Ahmed, M. & W. Rehman. (2012). "Consequential Effects of Budget Deficit on Economic Growth of Pakistan", International Journal of Business and Social Science, Vol. 3, No. 7, PP. 203-208.
18. Hus sain, A. Mohammad., Sulaiman, Akram . and Kamran, Lal . I. (2009). Effectiveness of Government Expenditure Crowding-In or Crowding-Out: An Empirical Evidence in Pakistan. European Journal of Economics, 16: 136 -142.
19. Keho, Y. (2010). "Budget Deficits and Economic Growth: Causality Evidence and Policy Implications for WEAMU Countries", European Journal of Economics, Issue 18.



20. Kultarni, Kishoreg & G.Erickson(1995) IS Crowding out Hypothesis Evidence in LDCS? A Case of India?: Indian Economic Journal.43.116-126.
21. Kus tepeli, Y. (2005). Effectiveness of Fiscal Spending: Crowd out/in?. Working Papers of Yönetim ve Ekonimi.
22. Landau·D.(1983).Government Expenditure and ECconomic Growth:Across-Country Study. Southern Economic Journal·49:783-786.
23. Mitra.Paritha (2002) Has Government Investment Crowded out Private Investment in Inia <http://www.acaweb.org>.
24. Tanner, Evan & Issouf Samake (1979) Public Debt Sustainability Under Uncertainty: A Vector Autoregression Approach; Applied to Brazil, Mexico, and Turkey, IMF Working Paper.
25. Wang, B. (2003). The Long Run Effect of Government Expenditure on Private Investment in Canada. Journal of Applied Economic, 2(4): 7-19